



آئین دادرسی کیفری سوئد



دادگاهها

سازمان دادگاهها در کشور سوئد سه طبقه ایست و این روش در مورد دادگاههای کیفری نیز صادق است. طبقه اول مادون طبقه دوم و طبقه سوم مافوق طبقه دوم قرار دارد. در طبقه اول یا پائین ترین طبقات دادگاه شهرستان یا بدایت قرار گرفته و مقر آن شهرهای متوسط و بزرگ است. در همین طبقه دادگاههای بخش یا ناحیه ای را (Distvict Courts) برای سایر نقاط کشور باید نام برد که تعدادشان کلا از ۱۵۰ متجاوز است.

در طبقه دوم شش دادگاه استیناف در سراسر کشور وجود دارد و دیوانعالی (کشور) در رأس همه دادگاهها - در طبقه سوم - در شهر استکهلم مستقر می باشد.

دادستانها (قضات تعقیب)

روش سه طبقه ای مذکور در بالا در مورد ادارات دادسرا نیز صادق است. اداره دادستانی محلی پائین ترین طبقه را تشکیل میدهد. تعداد اعضاء هر يك از این ادارات

۱) تذکر مترجم - Klas Lithner نویسنده مقاله دادستان یکی از ایالات سوئد و از صاحب نظران قضائی آنکشور است. در کشور سوئد همانطور که از محتویات مقاله هم استنباط می شود وظایف بازپرس و دادیار از یکدیگر جدا نیست و لفظ دادستان را ما در برابر کلمه Prosecutor که بمعنی مأمور تحقیق قضائی است آورده ایم و باید دقت شود که اصطلاحات حقوقی این مقاله با مفاهیم قضائی ما در ایران مقایسه نشود تا در استنباط مطالب اشکالی پیش نیاید.

با توجه بوسعت حوزه قضائی آنها بین دو تا پنجاه نفر است و جوابگوی احتیاجات دو تا سه دادگاه بدایت می‌باشد.

در طبقه دوم دادستانهای ایالتی قرار دارند که معمولاً در هر ایالت یکی از آنها به کار مشغول است و وظیفه او علاوه بر انجام برخی امور اداری و تعقیب جرائم سنگین و پیچیده عبارت است از راهنمایی و هدایت دادستانهای محلی (بدایت) حوزه خود و نظارت در انجام وظایف آنها. برخی از این دادستانها معاون هم دارند.

در طبقه سوم یا بالاترین طبقات دادستان کل کشور و دادستان دیوانعالی کشور قرار گرفته است. این مقام در رأس کلیه تشکیلات مورد بحث می‌باشد. نامبرده یک معاون و دو نفر دادیار برای تعقیب پرونده‌های کیفری مطروحه در دیوانعالی و سه نفر دادیار جهت هدایت و راهنمایی و نظارت در امور دادستانهای استانها در اختیار دارد و علاوه بر این دستیاران قضائی پنجنفر کارمند اداری نیز او را در امور اداری خود معاونت می‌کنند.

مقام و تعلیمات دادستانها

دادستانهای طبقه پائین وسیله دادستان کل و دادستانهای طبقه بالا از طرف مقام سلطنت منصوب می‌شوند و کلیه آنها در موقعیت کارمندان کشوری دولت قرار دارند و لکن برکنار ساختن آنها موقعی امکان دارد که بموجب حکم یک دادگاه به ارتکاب یک جرم سنگین محکومیت یافته باشند.

برای احراز مقام مورد بحث دارا بودن مدرک تحصیلی خاصی در رشته حقوق ضروری است. این مدرک ارزشی بیش از درجه لیسانس حقوق دارد و معادل فوق-لیسانس است. علاوه بر مدرک نامبرده کارآموزی در یکی از دادگاههای شهرستان یا بخش بعنوان منشی دادگاه بمدت دو سال و نیم برای تصدی این مقام لازم است. در اواخر این مدت این منشی‌ها به کار قضاوت در امور جزئی نیز می‌پردازند و وظایف دادستانی را در ادارات دادستانی محلی فرا می‌گیرند و در معیت اداره آگاهی یکی از شهرهای متوسط یا بزرگ بآموزش کارهای پلیسی در امر تفتیش جرائم می‌پردازند. و سرانجام در یک کلاس چهار ماهه که از طرف دادستان کل در شهر استکلم تشکیل می‌شود شرکت می‌ورزند و برای تصدی مقام دادستانی آماده می‌گردند.

مقام دادستانی معمولاً یک مقام عمرانه است و کمتر ممکن است کسی از این مقام به مشاغل قضائی دیگر منتقل گردد و تغییر شغل افراد از دادستانی به قضاوت در محکمه غیرممکن است و فقط در مورد دادستان کل و دو معاون او این عمل انجام می‌گیرد زیرا این سه مقام را معمولاً از بین قضات استیناف انتخاب می‌کنند و انتقال این افراد بمقامات قضائی قبلی یا بالاتر مانعی ندارد. دادستانها با وکلای مدافع نیز هرگز نمی‌توانند تعویض گردند یعنی تبدیل یکی بدیگری غیرممکن است.

قبل از تغییر تشکیلات و ایجاد تمرکز در سال ۱۹۶۵ مشاغل دادستان محلی و رئیس پلیس در نواحی روستائی و شهرهای کوچک یکی بود و هم‌اکنون نیز بین این مقامات روابط شخصی و حرفه‌ای متعددی موجود است و در سالهای آینده بین اعضای جوان این دو شغل تعویض‌هایی صورت خواهد گرفت.

تحقیقات کیفری

به محض اینکه دلائلی بر وقوع بزه بدست آید کار تحقیقات کیفری آغاز می‌گردد. تحقیقات براساس مجموعه مقررات آئین دادرسی کیفری به عمل می‌آید. در تحقیقات مقدماتی از هرکس که در مظان ارتکاب جرم قرار بگیرد تحقیق می‌شود مشروط باینکه زمینه‌های کافی برای چنین سوءظنی موجود باشد زیرا پرونده امر باید بنحوی تنظیم گردد که شواهد جمع‌آوری شده را بتوان در دادگاه ارائه نمود (ماده ۲۳ قانون آئین دادرسی کیفری).

تحقیقات مقدماتی را هم پلیس و هم دادستان می‌تواند آغاز نماید. اگر موضوع جرم سنگین باشد به محض اینکه فردی در معرض اتهام قرار بگیرد رهبری تحقیقات و مسئولیت هدایت کار و امر صدور دستورات به عهده دادستان محول می‌شود و در مواردیکه جرم یا اتهام ساده باشد باز هم در صورت وجود علل خاص دادستان هدایت تحقیقات را بعهده می‌گیرد. منظور از اتهام یا جرم ساده جرائمی از قبیل کتک کاری، دزدی، ایراد خسارت یا سوءنیت، مستی و جرائم رانندگی است.

رهبری تحقیقات

مفهوم رهبری تحقیقات با توجه به مشخصات دادستان و کارآگاه و شدت و ضعف جرم و سایر عوامل در مورد پرونده‌های مختلف فرق می‌کند. در مورد تعدادی از جرائم رهبری دادستان حتی اگر رسماً مسئول تعقیب آنها باشد مثل سرقت لزومی ندارد در حالیکه برای جرائم عمده یا سنگین راهنمایی او شدت بیشتری می‌یابد و ممکن است مستلزم تشکیل کنفرانسهای روزانه با کارآگاهان مربوطه برای رهبری موضوع باشد.

از چه کسانی بازجوئی می‌شود؟

هنگام تحقیقات مقدماتی پلیس می‌تواند از هرکس که در مورد جرم حرفی برای گفتن داشته باشد تحقیق به عمل آورد (ماده ۶-۲۳ ق. ا. د. ک.). شاهد را قانوناً بیش از ۶ ساعت نمی‌توان برای ادای شهادت نگهداشت و این مدت درباره کسانی که بعنوان متهم احضار می‌شوند نباید از ۱۲ ساعت تجاوز نماید (۹-۲۳ ق. ا. د. ک.).

به محض اینکه زمینه‌های معقول مبنی بر سوءظن علیه کسی فراهم شود پلیس مأمور تحقیق باید شخص مذکور را هنگام بازجوئی از موضوع سوءظن و اینکه او

حق دارد از وکیل مدافع استفاده کند آگاه نماید (۱۸-۲۳ ق. ا. د. ک.) ولی مأمورین موظف نیستند به متهم بگویند که او حق دارد در تمام مراحل تحقیق و دادرسی سکوت اختیار کند. اگر متهم سکوت را ترجیح بدهد (که به ندرت اتفاق می‌افتد) دادستان می‌تواند هنگام محاکمه باین امر استناد کند و آن را از دلایل اتهام بخواند و دادگاه نیز می‌تواند آن را بعنوان قسمتی از قرائن جرم مورد بررسی و ملاحظه قرار دهد. هرگاه مظنون هنگام تحقیقات سخن بگوید و در جریان محاکمه سکوت اختیار نماید و یا داستان را عوض کند اظهارات اولیه او را می‌توان بعنوان دلیل تقدیم دادگاه نمود. (۸-۴۶).

متهم می‌تواند هنگام تحقیق از وکیل مدافع خود کمک بگیرد ولی تصمیم نهائی باینکه وکیل مدافع هنگام بازپرسی حضور بهمرساند یا نه با شخص دادستان است. (۱۰-۲۳).

دادستان علاوه بر جمع‌آوری دلایل جرم دلایل بیگناهی متهم را نیز جمع می‌نماید. اگر دادستان تقاضای متهم را برای تحقیق اضافی رد کند باید دلایل امتناع خود را کتباً بمتهم و وکیل او اعلام دارد و متهم می‌تواند برای اجبار دادستان به انجام تحقیقات مورد نظر خود بدادگاه شکایت کند (۱۹-۲۳). دادستان بهر حال در اکثریت قریب باتفاق موارد اجازه تحقیقات اضافی مورد درخواست متهم را صادر مینماید تا در جلسه محاکمه در برابر سؤال غیر مترقبه مربوط برده تقاضا قرار بگیرد. وقتی که تحقیقات کامل شد و چنین بنظر رسید که پرونده آماده طرح در محکمه می‌باشد دادستان وظیفه دارد که به متهم و وکیل او اجازه دهد که پرونده را کلاً قرائت نمایند و باید بآنها تذکر دهد که می‌توانند در صورت لزوم انجام اقدامات اضافی دیگری را درخواست نمایند (۱۸-۲۳) و متهم حق دارد که نسخه‌ای از گزارش کامل تحقیقات را مجاناً دریافت نماید و این نسخه معمولاً به محض تهیه برای متهم فرستاده می‌شود (۲۱-۲۳).

دستگیری و بازداشت

فرد مظنون را پلیس یا هرکس دیگر در صورتیکه دلایل توقیف که ذیل ماده ۲۴-۷ قانون آئین دادرسی کیفری درج شده وجود داشته باشد می‌تواند دستگیر نماید. به محض اینکه توقیف به عمل آمد افسر مربوطه موظف است مراتب را بدادستان اطلاع دهد و اما اگر این تصور برود که شخص دستگیر شده بعد از تحقیق آزاد خواهد شد اطلاع مذکور لزومی نخواهد داشت. دادستان موظف است به محض وصول اطلاع تصمیم به بازداشت یا آزاد کردن

۲) دستگیری مجرم وسیله مردم عادی در ممالک شمالی اروپا نباید عجیب جلوه کند زیرا در گذشته همه مردم وظیفه پلیس را انجام میدادند و کلمه پلیس خود گویای همین مفهوم است و هم اکنون در ممالک انگلوساکسن اگر اشخاص درخواست پلیس را برای کمک رد کنند مرتکب جرم شده و قابل مجازات هستند مترجم.

متهم اتخاذ نماید (۷-۲۴).

زمینه قضائی که دادستان دستورات خود را مبنی بر بازداشت متهم برآن استوار می‌کند این است که متهم طبق شواهد محتمل (که از شواهد عقلی بالاتر است) مرتکب جرمی شده که مجازات آن حداقل یکسال زندان خواهد بود و یا اینکه موارد زیر صادق باشد:

- ۱- متهم ممکن است متواری شود یا خودکشی نماید.
- ۲- متهم ممکن است مسیر تحقیقات را از طریق امحاء آثار جرم منحرف سازد.
- ۳- متهم ممکن است بارتکاب جرم ادامه دهد.
- ۴- دلایل خاصی وجود داشته باشد باینکه متهم برای ادامه تحقیقات از آزادی محروم شود (۱-۲۴).

دادستان مکلف است بعد از وصول اطلاع در اسرع وقت که بهر حال مدت آن بیش از یکروز بعد از وصول اطلاع نخواهد بود راجع به بازداشت یا آزادی متهم تصمیم بگیرد. روش سوئد با آنچه که در کشورهای انگلیس، دانمارک یا نروژ وجود دارد باینکه متهم را بلافاصله بعد از دستگیری نزد مأمورین قضائی اعزام نمایند منطبق نیست و قرار قضائی معروف انگلیسی‌ها Habeas Corpus^۳ نیز در قانون سوئد وجود ندارد. قواعد حاکم در کشور سوئد مصرح است باینکه دادستان در مورد بازداشت یا آزادی متهم باید ظرف یکروز اتخاذ تصمیم نماید و در موارد مخصوص که تحقیقات بیشتری ضرورت دارد دادستان می‌تواند تصمیم خود را تا پنج روز به تأخیر بیاورد.

در مطالعه یکصد پرونده وسیله نویسنده در ناحیه گوتنبرگ در سال ۱۹۶۰ این نتیجه بدست آمد که حد متوسط زمان دستگیری متهم تا اتخاذ تصمیم دادستان فقط شش ساعت بوده است. دادستان در تقاضای خود بدادگاه به نحو مختصر از شخص متهم و نوع بزه و زمینه‌های اتهام سخن می‌گوید ولی موظف است که همراه تقاضا یا در فاصله معقولی بعد از آن گزارش تحقیقات مقدماتی را نیز بدادگاه بفرستد.

جلسه مربوط باستماع شکایت متهم از توقیف خود علنی است مگر اینکه متهم تقاضای سری بودن آن را به عمل آورد و یا اینکه به تقاضای دادستان - دادگاه باین نتیجه برسد که علنی بودن جلسه مخل تحقیقات بعدی خواهد بود.

دادگاه در این موقعیت به تصدی یکنفر قاضی تشکیل می‌شود. دادگاه می‌تواند در این موارد فوراً تصمیم بگیرد یا مدتی را برای اتخاذ تصمیم معین کند. تصمیم شفاهاً و با حضور طرفین اعلام می‌شود. وقت اینگونه دادرسی‌ها معمولاً نیم ساعت است ولی ممکن است در چند دقیقه کار خاتمه پیدا کند و یا چندساعت بطول انجامد. در صورتیکه دادستان در فاصله دستور بازداشت و جلسه رسیدگی به شکایت

۳) برای آشنا شدن با این قرار به مقاله «قرارهای قضائی» نوشته مترجم این مقاله منتشره در مجله حقوقی وزارت دادگستری شماره ۲ سال ۱۳۵۲ مراجعه شود.

متهم احراز کند که علل بازداشت منتفی شده موظف است فوراً دستور آزادی متهم را صادر نماید (۱۰-۲۴).

هرگاه دادگاه راجع به شکایت متهم در مورد بازداشت خود رأی صادر نمود موظف است تاریخی را نیز که از دو هفته تجاوز ننماید معین کند که ظرف آن مدت تحقیقات از متهم خاتمه پذیرد. آمار نشان می‌دهد که تحقیقات در ۲۵ درصد پرونده‌ها ظرف یک‌هفته و در ۵۰ درصد آنها ظرف دو هفته پایان می‌رسد. دادگاه می‌تواند در صورت لزوم به تقاضای دادستان مدت معین شده را تا دو بار تمدید نماید. پذیرش این استمهال معمولاً مستلزم تشکیل جلسه دادگاه است. اعطای مدت اضافی بدادستان برای تکمیل تحقیقات در موارد بخصوص به بیش از مدت‌های مذکور نیز امکان‌پذیر است.

در آئین دادرسی کیفری سوئد برخلاف آنچه که در آمریکا معمول است دادن اطلاعات ناصحیح - قول کمک و مساعدت از طرف مأمورین به متهم یا تهدید و اجبار او هنگام تحقیق یا تشکیل جلسات طولانی استنطاق یا اقدامات ناصواب دیگر وجود ندارد. (۱۲-۲۳).

وکالت در دفاع

هر متهم حق دارد وسیله وکیل مدافع از خود دفاع کند. اکثر متهمین یا مدعی - علیهم‌المرکان استفاده از وکیل تسخیری را پیدا می‌کنند. این امر شامل مواردیست که متهم توقیف یا بازداشت می‌شود و یا اینکه اوضاع و احوال او حکایت می‌کند که بمللی نمی‌تواند از خود دفاع کند. علل مذکور ممکن است مربوط به شرایط معنوی متهم باشد از قبیل جوان بودن یا خارجی بودن او و یا نوع جرم و احتمال مجازات. وضع مالی متهم در این مورد در نظر گرفته نمی‌شود.

طبق روش بالا دادگاه از بین وکلای دعاوی که عضو کانون وکلای سوئد هستند یک نفر را برای دفاع از متهم معین می‌کند و البته وکیل مذکور معمولاً از بین وکلایی که وابسته بهمان دادگاه هستند تعیین می‌شود و اگر متهم وکیل معینی را تقاضا نماید دادگاه همان وکیل را معین خواهد کرد. وکلای عضو کانون موظف بانجام این مأموریت‌ها می‌باشند ولی باید دانست که دادگاه هرگز آنها را علی‌رغم میل و اراده خودشان برای این نوع وکالت‌ها انتخاب نخواهد نمود.

دادگاه در صورت محکومیت متهم ضمن صدور حکم حق الوکاله وکیل تسخیری را نیز معین کرد. و رأی پرداخت آن وسیله محکوم‌علیه صادر می‌کند و این وجه بلافاصله از صندوق وجوه عمومی پرداخت می‌شود. مبلغ مذکور معمولاً همان است که خود وکیل تقاضا می‌کند و تا آنجا که میزان آن غیر معقول نباشد با مخالفت دادگاه روبرو نمی‌شود. از طرف دیگر در صورتیکه متهم براثت حاصل‌کننده پرداخت این نوع هزینه بعهده دولت است و فقط ممکن است با توجه بوضع مالی متهم او را پرداخت قسمتی از مخارج مذکور محکوم نمود.

خاتمه تحقیقات

دادستان وظیفه دارد که بعد از پایان تحقیقات بلافاصله راجع به اعزام متهم بدادگاه اتخاذ تصمیم نماید. سیستم تعقیبی سوئد بر اصل «رعایت قانون» استوار شده باین معنی که تمام جرائم هنگامیکه دادستان دلائل را برای تعقیب کافی بداند قابل تعقیبند. تحقیقات مقدماتی باید وسیله تصمیم دادستان پایان پذیرد و این تصمیم بخصوص موقع صدور قرار منع پیگرد باید مدلل و موجه باشد. بر اصل قدرت تعقیب دادستان چندان استثناء وارد می‌شود که از آن جمله یکی اتهام مربوط بمرضای روانی و جوانان کمتر از ۱۵ سال است و دیگری جرائم کوچکی که مجازات آنها جزای نقدی خواهد بود.

جریان قبل از دادرسی

سیستم قضائی سوئد مؤسسه هیئت منصفه بزرگ یا هیئت اتهامیه را نمیشناسد و بنحویکه در بالا گفته شد کلیه جرائم در صورت وجود دلائل کافی از طرف دادستان قابل تعقیب محسوب می‌شوند. اطلاعیه کتبی (اصطلاح ادعانامه وسیله نویسنده بکار نرفته است - مترجم).

شامل شرح مختصری از جرم و ماده قانون مجازات عمومی که با آن انطباق دارد و دلائل تعقیب است. دلائلی که با تفصیل بیان می‌شود نه تنها باید حاوی شواهد قضیه بوده بلکه نظرات دادستان را نیز باید دربر بگیرد. مطالب اطلاعیه بعد از ورود بدادگاه براین مدعی علیه ارسال می‌شود تا جواب و دلائل خود را علیه آن بیان نماید. وقتیکه موعد محاکمه معین شد طرفین دعوی و شهود بدادگاه فراخوانده می‌شوند (۱۴-۴۵). جلسه دادرسی در صورتیکه متهم زندانی باشد ظرف یک هفته بعد از وصول اطلاعیه بدادگاه باید معین شود و در صورتیکه متهم کمتر از ۱۸ سال دارد این مدت دو هفته خواهد شد.

دادرسی

دادگاه محلی یا شهرستان معمولاً مرکب است از یک قاضی حرفه‌ای که عنوان رئیس دادگاه را دارد و باین سمت منصوب شده است و هفت یا نه نفر افراد عادی که برای مدت شش سال وسیله انجمن شهر یا شهرستان برای انجام این وظیفه معین می‌شوند. این افراد که از معتمدین محلی هستند ماهی یکبار بعنوان عضو دادگاه در جلسه دادرسی شرکت می‌کنند. انتخاب این افراد امری سیاسی است باین معنی که انجمن‌های شهر این افراد را از میان نمایندگان احزاب سیاسی در شوراهای محلی انتخاب می‌کنند.

برای جرائم کوچک و کم‌اهمیت دادگاه با یک قاضی و سه عضو عادی تشکیل جلسه میدهد و در جرائمیکه مجازات آنها تنها جزای نقدی است دادگاه می‌تواند فقط بتصدی یک نفر قاضی تشکیل شود.

در آغاز جلسه دادگاه اسم متهم یا متهمین و شهود احضار شده را می‌خواند تا معلوم شود که کسی غائب نیست. کلیه محاکمات علنی است و استثنائات وارد بر این اصل عبارتند از محاکمه مجرمین جوان و بیماران روانی، دعاوی مربوط به باج سبیل، امنیت ملی، جرائم جنسی و اسرار بازرگانی. در محاکمه نوع اخیر می‌توان قسمتی از دادرسی را علنی و قسمتی از آن را سری اعلام نمود.

بعد از احراز هویت متهمین دادستان موضوع اتهام را مطرح کرده شرح مآوقع و ماده قابل انطباق قانون مجازات را بیان می‌کند. به متهم اعلام می‌شود که خود را گناهکار میدانند یا نه. (در حدود ۷۵ درصد متهمین خود را گناهکار میدانند). سپس دادستان بیان ادعا می‌کند و نظر خود را بر نوع مجازات به صورت تقاضا عرضه می‌کند.

در اکثر پرونده‌ها بعد از بیان ادعای دادستان از متهم و وکیل او خواسته می‌شود که اگر در زمینه اظهارات دادستان مطلبی دارند بگویند و اگر زیان دیده نیز در دادگاه بعنوان شاهد حاضر شد از او نیز خواسته می‌شود که بدون حشو و زوائد شرح ماجری را بگوید و در این موقع قاضی و دادستان و وکیل مدافع می‌توانند از نامبرده سؤالاتی به عمل آورند.

قسمت بعدی محاکمه مصروف تحقیق از متهم می‌شود و دادگاه از او می‌خواهد که حتی المقدور بنحو کامل جریان را تعریف کند. چون اکثر متهمین باین کار رغبت نشان نمیدهند و تمایل طبیعی آنان بر فرار از پیچ و خمهای مشکل است برخی از قضات کار تحقیق از متهم را بدادستان محول میدارند. بعد از آن وکیل مدافع از متهم تحقیق می‌کند.

شهود موقع بیان ادعای دادستان و تحقیق از متهم حق حضور در جلسه را ندارند. قاضی محکمه شهود را يك بيك سوگند میدهد و اهمیت سوگند و خطرات شهادت کذب را بآنها می‌گوید. اقربای نزدیک متهم مکلف بادای شهادت نمی‌شوند. شهود را نمی‌توان وادار کرد که بگویند خود یا اقوام نزدیکشان مرتکب جنایت یا عمل خلاف شرافت شده‌اند. کسی که شاهد را احضار می‌کند حق دارد قبل از طرف مقابل از او تحقیق کند ولی بهر حال روش قضائی سوئد مانند کشورهای گروه انگلیسی‌زبان در مورد تحقیق و تحقیق مجدد از شاهد دارای قواعد منظم و مسلمی نیست و قاضی نیز می‌تواند از شاهد سؤال کند و ممانعتی در زمینه شهادت غیر مستقیم یا نقل قول که در قوانین انگلوساکسن‌ها غیر قابل استماع است وجود ندارد. طبق قواعد حاکم در سوئد نباید از شاهد سؤالات هدایت‌کننده به عمل آید ولی همین مطلب نیز قاعده‌ای محدود و مطلق نیست. از آنجا که جز در موارد قلیلی از جرائم از قبیل افترا هیئت منصفه در محکمه شرکت نمی‌کند مذاکرات درگوشی قاضی و دادستان و وکیل مدافع ضرورت پیدا نمی‌نماید تمام مطالب باصدای بلند گفته می‌شود و قواعد دادرسی آنقدر اهمیت ندارد که نقض آنها موجب پژوهش شود.

بعد از بررسی دلائل موضوع زندگی متهم مطرح و سوابق کیفری او

در صورتیکه سابقه‌ای داشته باشد باصدای رسا قرائت می‌شود و گزارش روانشناس و مددکار اجتماعی نیز خوانده می‌شود و سپس دادستان و وکیل مدافع آخرین بیانات خود را ایراد می‌کنند. اشاره به رویه‌های قضائی معمول نیست زیرا سوئد قانون مدون دارد. دادستان معمولاً مجازات معینی را تقاضا می‌نماید.

پس از این مراتب از متهم خواسته می‌شود که آخرین دفاع خود را بگوید و ختم دادرسی اعلام می‌گردد. جلسه مشاوره سری است و حکم در جلسه علنی قرائت می‌شود، دادگاه می‌تواند صدور حکم را به روزهای بعد موکول کند ولی بهر حال قبل از پایان دو هفته حکم باید صادر شود.

دادگاه روزی بیش از شش ساعت کار نمی‌کند لهذا آن تعداد از پرونده‌ها را مطرح می‌کنند که امکان پایان‌دادن آنها وجود داشته باشد.

عکاسی در جلسه دادگاه و گرفتن عکس بهر صورت از جریان محاکمه ممنوع است (۵-۹).

پژوهش

طرفین دعوی نسبت به احکام صادره دادگاهها اختیارات وسیعی برای تقدیم شکایات پژوهشی دارند. پژوهشخواهی در زمینه عدم انجام تحقیقات و مقدمات و عدم رعایت تشریفات یا شدت و ضعف کیفیها یا زمینه‌های قانونی دیگر به عمل می‌آید. مدت پژوهش از تاریخ ابلاغ حکم سه هفته است و اگر یکی از طرفین دعوی پژوهش خواسته باشد می‌توان به طرف مقابل يك هفته مهلت اضافی برای استیناف اعطا نمود.

در دادخواست پژوهشی باید شواهد و دلایل جدید ذکر شود و نسخه این دادخواست نزد پژوهشخوانده فرستاده می‌شود و باو اجازه میدهند که ظرف دو هفته اعتراضات و ایرادات خود را کتباً تقدیم دارد.

برخی از دعاوی کوچک را می‌توان بدون حضور طرفین در دادگاه استیناف مورد حکم قرار داد ولی در اکثر موارد نحوه دادرسی و تشریفات محاکمه همان است که در دادگاه بدوی تحت مطالعه درآوردیم.

تنها در مورد فرجامخواهی دیوانعالی کشور محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است. در دیوان مذکور هیئتی مرکب از سه نفر وجود دارد که در اکثر موارد اجازه فرجامخواهی وسیله آنان صادر می‌گردد و درخواست‌های فرجام موقعی نزد این هیئت مطرح می‌شود که یا دعوی دارای اهمیت خاصی باشد یا شکسته‌شدن حکم پژوهشخواسته محتمل جلوه کند. بنابراین اجازه فرجامخواهی باصحاب دعوی به ندرت داده می‌شود. دادستان کل تنها دادستانی است که اجازه دارد پرونده‌های کیفری را در دیوانعالی مطرح نماید و او نیز از این اختیار چنان کم استفاده می‌کند که سالانه بیش از ۲۰ پرونده کیفری در دیوانعالی کشور مطرح نمی‌شود.